

صلاحیت و نحوه تعقیب محاکم کیفری در خصوص جرائم مقامات دولتی

ایران سلیمانی ملایوسف^۱. پیمان حاتمی^۲. ناصر حمیدی^۳

۱. استادیار گروه الهیات (فقه و حقوق) واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی گروه حقوق واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی

واحد اردبیل، ایران. مدرس مرکز علمی کاربردی پارس آباد

۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی گروه حقوق واحد اردبیل

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، ایران

چکیده

تعقیب و نحوه محاکمه بعضی از مقامات بلند پایه کشوری به دلیل حساسیت و ظرافتهای خاص، در کشورهای مختلف متفاوت است. در برخی از کشورها بعضی از مقامات بلند پایه دولتی مصونیت از تعقیب دارند. از جمله نمایندگان و رئیس جمهور و نخست وزیر و در برخی کشورها مصونیت مطلق ندارند ولی این امر بطور نسبی وجود دارد و تحت شرایط خاصی و بعد از طی مراحل صورت می گیرد، همه این طرح ها و برنامه های خاص برای تعقیب با شرایط خاص یا عدم تعقیب این مقامات به خاطر حفظ مصالح این کشورها می باشد، دیدگاههای مذهبی یا غیر مذهبی، نوع حکومت ها، نگرش مردم نسبت به حکومت و دولتمردان آنها در نوع نظام تعقیب آنها در خصوص دولتمردان تأثیر به سزایی دارد. در کشورهایی که نظام مردم سالاری ندارند و دیکتاتوری مطلق حاکم است اصولاً نظام قضایی این کشورها نیز وابسته به شخص شاه یا حاکم آن کشور است و در این کشورها از نظام خاصی پیروی نمی شود مثل اکثر کشورهای عربی خاورمیانه، در این کشورها غیرمردم سالار در صورت صلاح دید حاکم هر مقامی را می شود، تعقیب و مجازات نمود و در صورتی که وی تمایل نداشته باشد. حتی دون پایه ترین مقام دولتی را مقام تعقیب نمی تواند تحت پیگرد قرار دهد. در کشورهایی که مردم سالاری در آنها حاکم است اصولاً حکام از طرف مردم انتخاب شده و نماینده آنها در اداره کشورند، در این کشورها استقلال بین قوا وجود دارد و نهاد تعقیب فقط با توجه به قوانین جاری آن کشورها به تعقیب مجرمین می پردازد در کشور مانیز در طول تاریخ برای تعقیب مقامات بلند پایه نظامهای مختلفی تجربه شده که به نحوه تعقیب نمایندگان مجلس و رئیس جمهوری که از موارد بحث برانگیز است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: صلاحیت، محاکم کیفری، جرایم، رئیس جمهور، نماینده مجلس

مقدمه

یکی از مهمترین دغدغه‌های دولتها در تمام دنیا، سالم سازی محیط کسب و کار و ارتقای سلامت اداری می‌باشد. بسیاری از امور اقتصادی و غیر اقتصادی مردم رابطه تنگاتنگی با دولتها دارند و سرمایه گذاران نیز در انتخاب محل سرمایه گذاری شاید به اولین موردی که توجه کنند، امنیت اقتصادی و سالم بودن محیط کسب و کار و سلامت اداری می‌باشد. بنظر بنده سرمایه به کیوتری شبیه است که چنانچه محیطی را برای خود امن و آرام نبیند از آنجا مهاجرت می‌کند. در کشورهایی که فساد اداری در آنها کمتر است، مثل کشور سوئیس و سنگاپور یا ژاپن، سرمایه گذاران بیشتر سرمایه های خود را به آنجا سوق می‌دهند و هرچند بالا بودن سلامت اداری تنها دلیل افزایش سرمایه گذاری در این کشورها نیست ولی از مهمترین دلایل می‌باشد. وقتی اعمال حاکمیت و اراده دولتها و ریل گذاری مسیر حرکت اقتصادی کشورها، از طریق نمایندگان (قانونگذاری) هیأت دولت وقوه قضاییه و سایر نهادهای تصمیم ساز و تصمیم گیر صورت می‌گیرد، کمترین اختلال، فساد، یا سوء مدیریت در رده های بالا موجب انحراف از مسیر حرکت صحیح یا بعضا، خروج از ریل اصلی شده و کشور را به بی راهه خواهد برد، به همین دلیل یکی از اصلی ترین دغدغه های مردم و احزاب و اندیشمندان در سراسر دنیا حصول اطمینان از حرکت صحیح قطار مدیریتی کشورها و نحوه جلوگیری از انحراف آن است. هرچند که در انتخاب مقامات ارشد کشوری در اکثر دولتها قوانین سخت گیرانه و کنترل های شدیدی صورت می‌گیرد لکن با وجود همه دقتها افرا دی ضعیف وارد مدیریت کلان کشورها می‌شوند، که این امری غیر قابل اجتناب است، و چه بسا افرادی پس از ورود به ارکان مدیریتی نظامها، از طریق تطمیع، ارباب، یا دسیسه چینی و یا دنیاپرستی، تغییر مسیر می‌دهند که هنر سیستم های نظارتی باید کشف و طرد این عناصر و سالم سازی مدیریت کلان از مدیران و کارگزاران فاسد باشد، که قانون ارتقای سلامتی اداری مصوب ۱۳۹۰ هر چند گامی مهم ورو به جلو است؛ ولی دارای ایرادات اساسی در نبود مدیریتی ثابت و مشخص برای این نهاد، عدم چابک و مستقل بودن نهاد، عدم شفافیت مرجع کشف، تعقیب، و محاکمه و خلاصه با وجود تصویب قانون در ماهیت، آیین دادرسی کامل و شفاف و مستقل در کنار قانون ماهوی برای این امر مورد نیاز است. که از این امر غفلت شده است. برای مبارزه با مفاسد علاوه بر عزم جدی، نهادی فرا قوه ای چابک، با اختیارات کامل و شفاف مورد نیاز است و در کنار آن نهادهای غیر دولتی و مردم نهاد جهت ارزیابی عملکرد نهادها و مقامات و کارکنان دولتی مورد نیاز است و مشارکت حداکثری مردم در نظارت عملکرد و تخلفات مقامات و گزارش آن به مراجع قانونی و به دنبال آن تعقیب و مجازات بزهکاران بدون در نظر گرفتن موقعیت افراد است، مجازات افراد صاحب منصبی که مرتکب تخلفی شده باشند، اعتماد عمومی به حاکمیت را که بزرگترین سرمایه دولتها و میزان قدرت و اقتدار آنها در جوامع بین المللی است افزایش می‌دهد. به همین خاطر رسیدگی به اتهامات ارشد در تمامی کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است، و اندیشمندان و علمای حقوق روش های

مختلفی برای محاکمه مقامات ارشد پیشنهاد داده اند، و بعضاً مصونیت های هر چند موقتی برای بعضی از مقامات قائل شده اند.

ب: سوالات تحقیق

- ۱- مهمترین چالش ها و مشکلات راجع به رسیدگی محاکم کیفری در رسیدگی به جرائم مقامات ارشد دولتی چیست؟
- ۲- مراجع صالح برای رسیدگی به اتهامات ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس، کدام است؟

کلیات

- مفاهیم و تعاریف صلاحیت

۱- صلاحیت:

صلاحیت در لغت به معنای لیاقت، اهلیت، و شایستگی است. صلاحیت در مفهوم عام: یعنی داشتن شرایط و لوازم کافی، برای انجام کاری است. وقتی گفته می شود، قاضی یا شاهد و... باید. صلاحیت داشته باشند یعنی هر یک باید شرایط لازم و کافی مقرر در قانون، برای اموری که باید انجام دهند را داشته باشند.

صلاحیت (Competence): کلمه صلاحیت از نظر حقوق عبارت است از: اختیار قانونی یک مأمور رسمی برای انجام پاره ای امور، مثال صلاحیت دادگاهها در رسیدگی به تظلمات و ترافعات یا صلاحیت مأمور دولت در تنظیم سند رسمی. (ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی)

ماهیت صلاحیت: برخی در تعریف صلاحیت گفته اند: (اختیار قانونی یک مأمور رسمی برای انجام پاره ای امور را صلاحیت می نامند).

مرحوم دکتر احمد متین دفتری نیز چنین نوشته: «صلاحیت عبارت است از اختیاری که به دادگاه داده شده تا به دعوا رسیدگی کرده حکم آن را صادر نماید، این اختیار را قانون به موجب حکم خاص (در مورد دادگاههای اختصاصی) و یا به موجب حکم عام (در مورد دادگاههای عمومی) می دهد.»

با بررسی عبارات مذکور به کلمه ای به نام اختیار برخورد می کنیم. اختیار متضاد کلمه جبر است و این به ذهن متبادر می شود که آیا منظور از دادن چنین اختیاری ایجاد حق برای این اشخاص است و این اشخاص می توانند از انجام آن امور محوله خودداری نمایند؟

مثلاً آیا قاضی می تواند از رسیدگی به شکایات مردم خود داری کرده یا از صدور رای در پرونده ای امتناع نماید، یا ضابط قضایی از اجرای دستورات قضایی مقام صالح امتناع کند؟

واضح و روشن است که تعریف این چنینی از صلاحیت امری غیر مفید بلکه مشکل آفرین خواهد بود و مسلماً منظور قانونگذار نیز در اعطای صلاحیت به مأمورین و کارکنان دولت دادن اختیار به معنا و مفهوم فوق نبوده است، چرا که در غیر آن برای عدم اجرای چنین حقی مجازاتی برای آنها معین نمی نمود و ضمانت اجرا تعیین نمی کرد.

ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی در امور کیفری که برای عدم اجرای تکلیف قانونی قضات و ضابطین می باشد مؤید این مطلب است.

پس صلاحیت اعطایی از طرف قانونگذار به مأمورین هم حق است و هم تکلیف، و در صورت تعریف صلاحیت با این مفهوم می توان ضمانت اجرایی برای مستنکفین از اجرای امر قانونی توسط مأمورین صلاحیت دار قائل شد، در غیر این صورت نمی توان برای شخصی که از اجرای حق قانونی خود استنکاف می کند، مجازاتی تعیین کرد یا حتی وی را مذمت کرد و مستحق مجازات دانست.

۱. انواع صلاحیت:

۱- صلاحیت تقنینی ۲- صلاحیت قضایی ۳- صلاحیت اجرایی

صلاحیت تقنینی: صلاحیت تقنینی که همان صلاحیت قانونگذاری می باشد که به مرجع یا مراجع صالح قانونگذاری در کشورها این اختیار داده می شود. این مراجع طبق قانون اساسی کشورها، متفاوت و مختلف است که این امر در حقوق اساسی مورد بررسی قرار می گیرد. در کشور ما نیز مراجع صلاحیتدار قانونگذاری، نحوه و مراحل آن، اختیارات قوه مقننه در قانونگذاری و بسیاری از موارد دیگر در قانون اساسی آمده و مشروحاً به آن پرداخته شده است به عنوان مثال، در اصل ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند وضع قانون کند»، پس مطابق این اصل و اصول و قواعد پذیرفته شده دیگر و با توجه به اصل تفکیک قوا، مراجع دیگر حق قانون گذاری ندارند و قوه قضاییه و مجریه حتی نمی توانند آیین نامه و بخشنامه هایی صادر کنند که خلاف قانون اساسی یا قوانین عادی کشور باشد و در امور قضایی نیز قانونگذار اجازه داده قضات از اجرای آیین نامه یا بخشنامه های خلاف قوانین عادی و قانون اساسی استنکاف نموده و ابطال آنها را از دیوان عدالت اداری درخواست نمایند، که این امر موجب حفاظت از خدشه دار شدن عدالت مخصوصاً جلوگیری از سوءاستفاده افراد ذی سمت و ذی نفوذ و حفظ حقوق عامه می شود. در عرصه بین المللی نیز استقلال سیاسی کشورها با تصویب و اجرای قوانین آن کشورها توسط حاکمیت دولتها بروز می کند و چنانچه این صلاحیت قانونگذاری بطور کلی یا جزئی توسط سایر کشورها یا سازمان های قدرتمند بین المللی یا منطقه ای سلب شود استقلال سیاسی آن کشورها خدشه دار می شود و به همین جهت است که پذیرش دادگاه ها و قوانین بین المللی برای بسیاری از دولت ها مخصوصاً برای قدرتهای بزرگ به کندی و سختی صورت می گیرد.

۲- صلاحیت اجرایی:

منظور از صلاحیت اجرایی دولت، (منظور حاکمیت) یعنی دولت شرایط لازم و کافی قانونی برای اعمال قدرت در تعقیب افراد، توقیف اموال و افراد و مجازات افراد را دارد. البته در بعضی موارد به دلیل شورشها و نا آرامی های داخلی در بعضی از کشورها، دولتها شرایط لازم و کافی قانونی برای اجرای قوانین دارند، ولی قدرت و توانایی اعمال آن را ندارند، مثلاً متهمی در منطقه تحت کنترل شورشیان قرار می گیرد، که امکان دستگیری وی وجود ندارد.

صلاحیت قضایی:

صلاحیت قضایی در مفهوم کلی عبارت از داشتن شرایط لازم و کافی برای تحقیق، تعقیب، محاکمه، صدور رای، اجرای احکام صادره از مراجع قضایی می باشد. صلاحیت قضایی با اجتماع شرایطی و وجود ارکانی تحقق می یابد که در صورت فقدان شرایط مقرر و یا ارکان مقوم آن صلاحیت نیز از بین می رود. ارکان و مقومات صلاحیت قضایی، عبارتند از:

۱- قانون صالح ۲- مقام قضائی صالح ۳- مرجع قضائی صالح.

قانون صالح و شرایط آن:

به دلیل جلوگیری از اطاله کلام در این مبحث از بیان مشروح اینکه ۱- قانون چیست؟ ۲- مرجع قانونگذاری چه نهادی می باشد و نحوه قانون گذاری و مراحل آن چگونه می باشد؟ صرف نظر نموده و تنها به تعریف و ذکر موارد ضروری و به اختصار می پردازیم.

قانون: «مجموعه مقرراتی که از طرف مراجع ذی صلاح وضع و مراحل تقنینی خود را سپری و قابلیت اجرا پیدا کرده باشد، قانون محسوب می شود.»

قانون صالح: قانون صالح یعنی قانونی که استناد آن از طرف مقام قضائی در زمان تحقیق، تعقیب، محاکمه، صدور رای، اجرای حکم صحیح باشد، این امر زمانی محقق می شود که قانون، شرایط لازم را برای استناد داشته باشد. برای اینکه قانون شرایط استناد داشته باشد، بایستی قانون دارای حکومت زمانی و مکانی باشد، در غیر این صورت و فقدان یکی از موارد مذکور قانون مورد نظر غیر قابل استناد می گردد. از اتمام آن دیگر اعتبار خود را از دست خواهد داد. این امر در اصل ۱۶۹ ق. اساسی چنین بیان شده «هیچ فعل یا ترک فعلی باستناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی شود.

۳- مقام قضایی صالح:

در جمهوری اسلامی ایران شرایط تصدی عمومی و اختصاصی قضا توسط قوه قضاییه بررسی و احراز می شود و در صورت احراز و پس از طی مراحل قانونی ابلاغ قضایی از طرف ریاست محترم قوه قضاییه

صادر می شود و قاضی مطابق ابلاغ قضایی در حوزه مأموریت خود و در حدود ابلاغ قضایی صلاحیت خواهد داشت، هر چند که در احراز صلاحیت باید، قوانین و شرایط دیگر نیز مدنظر قرار گیرد.

محاکم:

محاکم، جمع محکمه بوده که، معادل فارسی دادگاه یا انگلیسی کلمه (court) می باشد. محکمه اسم مکان است و آن جایی است که در آن احکام توسط قضات صادر می شود. در لغت نامه دهخدا و سایر لغت نامه ها به این مضمونها اشاره شده است.

۵- جرم

جرم در لغت به معنای «گناه» آمده است (سیاح، . ۱۳) و در اصطلاح، علیرغم تعاریف زیادی که از جرم شده هنوز هم این موفقیت بدست نیامده تا از جرم، آنچنان تعریفی به عمل آید که مورد قبول همگان قرار گیرد و در زمان و مکان واجد ارزش باشد و دلیل این امر نیز اینست که پدیده جرم بر حسب دانشمندان و محققان دارای مبانی و صور گوناگون بوده، به سخنی دیگر، آنچه که از نظر یکی جرم محسوب می شود بر حسب دیگری نه تنها ممکن است عنوان جرم به خود نگیرد، بلکه امکان دارد که حتی عملی پسندیده به شمار آید (شامبیانی، ۱۳۸۴)

تعریف علمای حقوق از جرم:

علمای حقوق کیفری هر یک جرم را به گونه ای تعریف کرده اند. هر یک از این تعاریف، اغلب از گرایشهای نظری مکتبهای خاصی ملهم شده است. برای نمونه، مکتب عدالت مطلق، جرم را «هر فعل مغایر اخلاق و عدالت» تعریف کرده است یا بنا به تعریف گارو فالو یکی از بنیانگذاران دانش جرم شناسی، جرم عبارتست از تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی "جریحه دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع خواهانه یعنی شفقت و درستکاری را شامل می شود" (اردبیلی، ۱۳۸۶) جرم در قانون مجازات اسلامی: در قانون مجازات اسلامی از جرم تعریف نشده است، فقط در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در بیان اوصاف جرم آمده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم تلقی می شود».

تقسیمات کلی جرم:

۱- جرم کیفری: جرم کیفری به معنای عام، عبارتست از هر فعلی که به موجب قوانین کیفری انجام دادن و یا ترک آن با مجازات مقرر توأم باشد، مانند قتل، کلاهبرداری، سرقت، و غیره از حیث عنصر

قانونی جرم کیفری بنا به اصل قانونی بودن جرایم، فعل خاصی است که در قانون تصریح شده است. و از حیث عنصر مادی جرم کیفری ممکن است مستقل از زیان و خسارتهای مادی تحقق یابد (اردبیلی، ۱۳۸۶)

۲- جرم مدنی: به فعلی اطلاق می‌شود که من غیر حق، زبانی به دیگری وارد و فاعل را به جبران آن ملتزم کند و ممکن است نص خاصی در قانون نداشته باشد مثل ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

۳- جرم انتظامی: تخلف انتظامی عبارت است از نقض مقررات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن را پذیرفته‌اند. در واقع، جامعه کوچکی مانند کانونهای صنفی و کلا، سردفتران، پزشکان و... مانند جامعه بزرگ متکی به اصول و مقرراتی است که حافظ نظم و بقای گروه یا اتحادیه صنفی و حرفه‌ای است (اردبیلی، ۱۳۸۶).

انواع صلاحیت مراجع کیفری

صلاحیت مراجع کیفری به دلایلی همچون تسریع در رسیدگی، حفظ نظم و امنیت عمومی، سهولت در جمع آوری ادله، میزان مجازات و... به انواع زیر تقسیم بندی می‌شود:

۱- صلاحیت ذاتی. ۲- صلاحیت محلی. ۳- صلاحیت شخصی. ۴- صلاحیت اضافی.

صلاحیت ذاتی: صلاحیتی که مقنن بر اساس نوع جرم یا اهمیت جرم و یا مجازات جرم برای مرجع قضایی تعیین می‌نماید (جویباری، ۱۳۸۶) صلاحیت ذاتی، بانظم عمومی و مصلحت اجتماع گره‌خورده و قابل جابجایی نیست. تخلف از صلاحیت ذاتی موجب بطلان مطلق عملی است که از آن حاصل می‌شود هرچند که رأی به درستی صادر شده باشد (مدنی، -) ۲- صلاحیت شخصی: عبارت است از صلاحیت رسیدگی مراجع قضایی با توجه به سن، شغل و یا موقعیت اجتماعی متهم است. این نوع صلاحیت، و مشابه آن را در مراجع حقوقی مشاهده نمی‌کنیم. با توجه به خصوصیات شخص متهم تعیین می‌شود.

۱- به اعتبار سن متهم، دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ اطفال و نوجوانان. ۲- به اعتبار شغل و موقعیت اجتماعی متهم؛ سازمان قضایی نیروهای مسلح ۳- به اعتبار شخصیت دینی متهم: دادگاه‌های ویژه روحانیت؛ با توجه به نقش و تأثیر روحانیون در عرصه‌های مختلف، مرجع اختصاصی و مستقلی به نام دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت به جرایم این صنف رسیدگی می‌نماید (نوروزی).

صلاحیت اضافی: در اصطلاح عبارت است از صلاحیتی که مرجع یا مقام قضایی، به موجب قانون، علاوه بر صلاحیت عادی دارد.

مراجع قضایی کیفری اعم از دادسرا و دادگاه، خواه عمومی یا اختصاصی، در پاره‌ای موارد صلاحیت اضافی برای رسیدگی به امر قضایی که خارج از صلاحیت ذاتی یا محلی آنها است پیدا می‌کنند. جهات صلاحیت اضافی کیفری، متعدد و مبتنی بر نوع سیاست قضایی و جنایی نظام حقوقی است و به طور خاص

در قانون ذکر گردیده است لذا، محاکم یا اشخاص به ادعای حفظ مصالح و منافع ملی یا به ادعای تسهیل در رسیدگی، اختیار توسیع یا تحدید صلاحیت مزبور را ندارند.

موجبات صلاحیت اضافی در امور کیفری

- ۱- جرم واحد، توسط افراد متعدد صورت گیرد.
- ۲- جرایم متعدد، توسط یک نفر واقع شود.
- ۳- پس از صدور حکم، معلوم گردد محکوم علیه، محکومیت‌های دیگری داشته است.
- ۴- جرایم با یکدیگر، ارتباط تامی داشته باشند.
- ۵- جهاتی که موجب احاله امر کیفری می شود.
- ۶- نیابت قضایی ضرر و زیان مورد مطالبه در دادگاه کیفری، ناشی از جرم باشد (نوروزی، همان)
- ۷- به موجب قوانین خاص

دادگاه‌های کیفری صالح، برای رسیدگی به اتهامات نمایندگان مجلس و ریاست

جمهوری

رسیدگی به اتهامات برخی از افراد به علت خصوصیت ویژه آنها یا به دلیل موقعیت خاص اداری یا دینی یا اجتماعی افراد در دادگاه‌های عمومی و یا دادگاه محل وقوع جرم به نفع یا مصلحت جامعه نمی باشد. از این رو احتیاج به مراجع قضایی ویژه ای است و با تشریفات خاص یا توسط افراد با اطلاعات و تخصص ویژه ای رسیدگی شوند. این مراجع برحسب مورد به برخی از امور خاص و یا دعاوی مربوط به برخی از اشخاص رسیدگی می نمایند. بنابراین قضات آن نیز باید دارای اطلاعات خاص در زمینه مربوطه بوده و یا از اشخاصی باشند، که به دعاوی مربوط به همین صنف رسیدگی می نمایند.

مراجع عمومی صلاحیت عام رسیدگی به دعاوی را دارند، مگر دعاوی خاصی که قانون صراحتاً این دعاوی را در صلاحیت مراجع اختصاصی قرار داده است، پس مبنای تمیز و تفکیک دعاوی بین دادگاه‌های عمومی و اختصاصی قانون می باشد.

مراجع اختصاصی با توجه به صلاحیت آنان عبارتند از:

- ۱- دادگاه‌های نظامی ۲- دادگاه‌های انقلاب ۳- دادگاه ویژه روحانیت ۴- دادگاه عالی انتظامی قضات
- دیوان عالی کشور فقط برای رسیدگی به اتهامات رئیس جمهور در خصوص جرایم تخلفات مربوط به مسئولیت و وظایف وی صلاحیت دارد.

الف: دادگاه های نظامی

به علت لزوم اجرای کیفرهای سنگین و نیاز مبرم به تسریع در رسیدگی و دفاع به موقع و موثر از حیات نظامی کشور و حفظ اسرار نظامی، دادگاه های نظامی جهت رسیدگی به جرایم خاص نظامی و انتظامی نظامیان ایجاد گردیده اند که این دادگاهها در اکثر کشورهای دنیا وجود دارند. منظور از جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، بزه هایی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت های نظامی و انتظامی مرتکب گردیده اند.

ب: دادگاه های انقلاب

مطابق ماده ۲۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ دادگاه انقلاب در مراکز استانها و به تشخیص ریاست محترم قوه قضاییه در شهرستان ها تشکیل می شود. این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرایم موجب مجازات مندرج در بندهای، (الف)، (ب)، (پ) و (ت) این قانون دارای رییس و دو عضو مستشار است، که با دو عضو نیز رسمیت دارد.

۱- کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه و یا افساد فی الارض ۲- تبلیغ بر علیه نظام، تحریک و تشویق نیروهای نظامی در حال جنگ به فرار از جبهه، همکاری با دول متخاصم و... ۳- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری ۴- توطئه علیه جمهوری اسلامی یا اقدام مسلحانه و تخریب موسسات به منظور مقابله با نظام ۵- جاسوسی به نفع اجانب ۶- کلیه جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی یعنی رسیدگی به ثروت های ناشی از ربا، غضب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمین های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع که پس از بررسی و ثبوت امر، اموال مذکور اخذ و به صاحب حق رد می گردد، در صورت معلوم نبودن صاحب اموال، این اموال به بیت المال تعلق می گیرد.

ج) دادگاه ویژه روحانیت

این دادگاه براساس دستور رهبر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) تشکیل گردید و تا زمانیکه مقام معظم رهبری ادامه کار آن را مصلحت بداند، به منظور پیشگیری از نفوذ افراد منحرف و تبہکار در حوزه های علمیه، حفظ حیثیت روحانیت و به کیفر رساندن روحانی نما های متخلف و به طور کلی جهت رسیدگی به جرائم اشخاص روحانی رسیدگی خواهد نمود. (روحانی به کسی اطلاق می گردد که ملبس به لباس روحانیت بوده و یا در حوزه مشغول تحصیل باشد و یا اگر به کار دیگری مشغول است عرفاً روحانی محسوب گردد).

حاکم شرع شعبه اول دادگاه ویژه روحانیت از سوی مقام رهبری منصوب می گردد و سایر قضات دادگاه نیز، حسب مورد طبق نظر مقام رهبری نصب می گردد. در معیت دادگاه ویژه روحانیت دادرسی ویژه روحانیت ایجاد شده که متشکل از دادستان، معاون ارشاد، معاون تحقیقات و عملیات، مدیر اداری و مالی و به تعداد لازم دادیار و کارمند اداری می باشد. دادستان ویژه روحانیت توسط مقام معظم رهبری منصوب می گردد. عزل و نصب دادستان ها و دایاران دادرسی ویژه شهرستان به عهده این دادستان منصوب می باشد. دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی است:

۱- کلیه جرائم عمومی روحانیون ۲- کلیه اختلافات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد. ۳- کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می شود. در صورتیکه فرد خاطی روحانی، قاضی باشد، دادرسی ویژه روحانیت در بدو امر صلاحیت تعقیب ندارد مگر اینکه دادگاه عالی انتظامی قضات روحانی مورد نظر را که قاضی است معلق نموده باشد رسیدگی به دعاوی حقوقی علیه روحانیون مطابق قوانین، در دادگاه های عمومی حقوقی رسیدگی می گردد و از صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت خارج می باشد.

دادگاه های کیفری ۱ و ۲ تهران و صلاحیتهای اضافی آنها

صلاحیت دادگاههای کیفری تهران و همچنین دادگاه های نظامی و روحانیت ویژه تهران نوعی صلاحیت اضافی نسبت به سایر استانها می باشد. براساس تبصره یک ماده ۴ قانون احیاء دادرسی «رسیدگی به کلیه اتهامات اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونین آنها معاونان و مشاوران روسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضایی، استانداران، فرمانداران و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استانها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران بوده به استثناء مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است». علاوه از موارد فوق رسیدگی به جرایم مرتبط با شغل (قبلا در دیوان کیفرکارکنان دولت رسیدگی می شد) شهردار و روسای دانشگاههای دولتی در صلاحیت دادسرا و دادگاه مرکز استان قرار داده شده بود. منظور از جمله « به استثناء مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است شامل: الف) روحانیون است که اگر افراد فوق الذکر روحانی باشند وفق تبصره ۳ (الحاقی مورخ ۱۳۸۴/۹/۲) ماده ۳ آئین نامه دادرسیها و دادگاههای ویژه روحانیت مصوب مرداد ماه مورخ ۱۳۶۹ و اصلاحیه آن مصوب آذرماه ۱۳۸۴، دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت صالح به رسیدگی است. طبق رأی وحدت رویه (۶۶۴ - مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۳۰ در صورتی که یکی از مقامات مذکور در ماده فوق مرتکب جرم در صلاحیت دادگاه انقلاب شود دادگاه انقلاب صالح به رسیدگی است نه دادگاههای کیفری استان تهران. که این موضوع نیز در مواد ۳۰۷ الی ۳۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری جدید با کمی تغییرات به تصویب رسیده است، که از مهمترین تغییرات این قانون ماده ۳۰۸ قانون مذکور است، که رسیدگی به

اتهامات بسیاری از مقامات از جمله مدیران کل، فرمانداران غیر مراکز استان و... که در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران بود، به دادگاه های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم محول نموده است، که در جهت تسهیل رسیدگی و اصل صلاحیت محلی می باشد.

تاریخچه نحوه تعقیب رئیس جمهور و نمایندگان مجلس

با توجه به مفاد تبصره الحاقی (مورخه ۱۳۸۱/۷/۲۸ به ماده ۴) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که رسیدگی به اتهامات وزرا و سایر صاحب منصبان مشخص شده بود، ولی اسمی از رؤسای سه قوه به میان نیامده بود، که در مورد رؤسای دو قوه دیگر یعنی مجلس و قوه قضائیه این مسأله حل شده است چون رئیس مجلس اصولاً "نماینده مجلس است و رئیس قوه قضائیه نیز با توجه به این که دارای پایه قضائی می باشد به اتهام انتسابی آنهادر دادگاههای کیفری استان تهران رسیدگی می شد. ولی درخصوص رئیس جمهور مسأله کمی متفاوت است که به تحلیل آن می پردازیم. اصل (۱۴۰) قانون اساسی می گوید: «رسیدگی به اتهامات رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می شود نکته مهم در این قضیه این است که اولاً باید قوه قضائیه این مسأله رابه مجلس اطلاع دهد و قانونگذار این مطلب را جهت عدم ایجاد اختلال در کار دولت قرار داده که نمایندگان ملت از این موضوع اطلاع داشته باشند درضمن (ماده ۱۹) قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب (۱۳۶۵/۸/۲۲) چنین بیان می دارد: رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس جمهور در صلاحیت دیوانعالی کشور است و درجرائم عادی رسیدگی از طریق دادگاههای عمومی دادگستری تهران و با اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می گردد. (بند - ۱۰ اصل ۱۱۰ - قانون اساسی) درمورد اختیارات رهبر می گوید: «عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوانعالی کشور به تخلف از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای به عدم کفایت وی براساس اصل (۸۹) - بند ۲ اصل ۸۹ - در صورتی که حداقل دو سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور رادر مقام اجرای مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرای کشور مورد استیضاح قرار دهند، وچنانچه پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای اصل (۱۱۰) به اطلاع مقام معظم رهبری می رسد. پس از عزل رئیس جمهور به دو طریق ممکن است ۱- با رأی دو سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی و عزل او به صلاح دید رهبر ۲- رأی دیوانعالی کشور و عزل او به صلاح دید رهبر - در ماده ۱۹ - قانون تعیین حدود و وظایف اختیارات و مسئولیت های ریاست جمهوری آمده: رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس جمهور در صلاحیت دیوانعالی کشور است که ناظر به (بند - ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی) است در خصوص جرائم عادی در ماده ۱۹ اداره حقوقی قوه قضائیه چنین نظر داده است «مراد از جرائم عادی مذکور در (اصل

۱۴۰ قانون اساسی) جرایم غیر سیاسی و غیر نظامی است و شامل جرایم عادی ارتكابی شده در حین انجام وظیفه و به سبب آن نیز می شود در نتیجه رسیدگی به جرایم عادی وزراء در حین یا به سبب انجام وظیفه باشد یا نباشد با اطلاع مجلس در دادگاه های عمومی انجام می شود بحث اینجاست که برای رسیدگی به جرایم عادی رئیس جمهور دادگاه های عمومی یا کیفری استان صالح است یا مثل مقامات مذکور در ماده (۴) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، دادگاه کیفری استان تهران - اگر به این عقیده باشیم که دادگاه های عمومی یا دادگاه کیفری استان برای رسیدگی صالح می باشند این مورد به نظر می رسد با ظاهر اصل (۱۴۰) قانون اساسی مطابقت دارد ولی تعارضی که پیش می آید با ماده (۴) قانون اصلاحی است که به جرایم (مهم و غیر مهم) مقامات موضوع ماده (۴) در دادگاه های کیفری تهران رسیدگی می شد در صورتیکه برای جرایم غیرمهم رئیس جمهور باید در یک دادگاه عمومی رسیدگی شود که این با اهداف قانونگذاری که برای رسیدگی دقیق و حفظ جایگاه مقامات عالی رتبه می باشد در تعارض آشکار بود، وقتی به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس جمهور در دیوانعالی کشور رسیدگی می شود، پرواضح است که منظور قانونگذار این نبوده است که برای سایر اتهامات انتسابی به رئیس جمهور در دادگاه های عمومی رسیدگی شود. البته لازم به ذکر است که با توجه به اینکه رئیس جمهور یکی از اعضای تشخیص مصلحت نظام است رسیدگی به اتهامات وی (به جز اتهاماتی که در صلاحیت دیوانعالی کشور است) در صلاحیت دادگاه های کیفری استان تهران بود. البته قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که از مهرماه ۱۳۹۳ طبق قانون قابلیت اجرا پیدا کرده، صراحتاً دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهامات رؤسای سه قوه از جمله رئیس جمهوری را مشخص و طبق ماده ۳۰۷ این قانون دادگاه های کیفری تهران این صلاحیت را پیدا کرده است، البته چنانچه رئیس جمهور فردی روحانی از نظر قانون باشد، به اتهامات وی در دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی خواهد شد؛ البته چنانچه رئیس جمهور؛ فرد روحانی نباشد و اتهامات وی از موضوعات در صلاحیت دادگاه انقلاب باشد، به اتهامات وی در دادگاه های انقلاب تهران رسیدگی خواهد شد در با این اوصاف دیگر با اجرایی شدن قانون آیین دادرسی جدید دیگر ابهامی در خصوص مرجع صالح برای رسیدگی به اتهامات این مقام باقی نمی ماند.

اصل ۸۶ قانون اساسی و رابطه آن با مصونیت پارلمانی

یکی از موارد بحث بر انگیز دیگر در خصوص تعقیب مقامات دولتی موضوع مصونیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی می باشد، با توجه به پابندی کشورها به بعضی از اصول و نظام های تعقیب؛ نحوه تعقیب، مصونیت یا عدم مصونیت، مقامات بلند پایه از جمله نمایندگان متفاوت است. در کشور ما نیز در طول تاریخ و با توجه به وجود نظام های حاکم و وجود دیدگاه های مختلف؛ رویکرد های مختلفی در خصوص مصونیت پارلمانی اتخاذ شده و در بعضی از دوران ها با اقتباس از قوانین کشورهای غربی مصونیت را بصورت کامل پذیرفته و در برخی دوران ها آن را نپذیرفته است. پیش بینی اصل مصونیت پارلمانی در کنار

سایر اصول قانون اساسی کشورها و اهتمام روز افزون قانونگذاران به این اصل گویای جایگاه ویژه آن در جامعه جهانی است این اصل اساسی که به نحوه شایسته ای از امنیت حرفه ای و سلامت خاطر نمایندگان حمایت می کند از ماهیت حقوقی متمایزی نسبت به سایر تأسیسات حقوقی برخوردار است و بر مبنای نظری استواری تکیه دارد. حقوقدانان به منظور اثبات ضرورت بهره مندی نمایندگان از مصونیت توجیهات و استدلالهای منطقی بسیاری مطرح کرده اند که هر یک از آنها به سهم خود در سوق دادن اندیشه قانونگذار هر کشور به اهمیت اصل مذکور تاثیر گذار بوده است. در مقابل این گروه عده ای تلاش داشته اند که با توسل به دلایلی همچون اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تساوی اشخاص در قبال قانون فلسفه تشریع قوانین جزایی در جهت صیانت از نظام عمومی و حیثیت حقوق خصوصی افراد و فقد صبغه شرعی و مبنای متقن فقهی مصونیت پارلمانی نمایندگان را با اشکال مواجه کنند که این نظرات مختلف ناشی از اعتقادات و جهان بینی آنها می باشد.

به هر حال با وجود مخالفت های پراکنده گرایش غالب در اکثر کشورها در مسیر تایید و اثبات بیش از پیش مصونیت اعضای مجالس پارلمانی جهت گیری نموده است به گونه ای که حتی کشورهایی که پیشتر به شکل محدود از نمایندگان حمایت می کرده اند در دهه های اخیر بر گسترش دامنه اصل مصونیت نظر داشته و رویکردی جامع گرایانه مبنی بر پذیرش هر دو صورت مصونیت (عدم مسئولیت و عدم تعرض) اتخاذ نمود ه اند بررسی روند رویکرد قانونی نظامهای پارلمانی در ادوار اخیر صحت این موضوع را به تایید می رساند.

مصونیت، مصدرجعلی در زبان فارسی و در لغت به معنای محفوظ بودن، حفظ شدن و مامور بودن است واژه مصون، اسم مفعول از ریشه ثلاثی مجرد صون و به معنای محفوظ نگاهداشتن و دور از تعرض آمده است.

در اصطلاح حقوقی، مصونیت عبارت است از معاف بودن از برخی التزامات قانونی و برخورداری از حمایت های حقوقی در برابر برخی قوانین را با محدودیتهای ویژه ای روبه رو می سازد. طبق یک نظر «مصونیت» عاملی است که زوال مسئولیت کیفری را موجب می شود و غالباً از وجود کیفیت و یا حالتی در شخص مرتکب نشأت گرفته یا در بعضی موارد به صورت استثنائی از اوضاع و احوال و شرایطی که موجب تحقق جرم شده است ناشی می شود. . . این مصونیت ممکن است تمام جرائم را در برگیرد یا اینکه مصادیق خاصی از جرائم را شامل شود.

امروزه در قوانین و مقررات داخلی حاکم بر نظام حقوقی کشورها، مقررات فراملی و نیز آموزه های حقوقی، گونه های متعددی از مصونیت همچون مصونیت قضائی، مصونیت دیپلماتیک مصونیت دفاع طرفین دعوا و به ویژه مصونیت پارلمانی مطرح می شود. مصونیت اخیر در قوانین اساسی و عادی اغلب کشورها در قالب یک امتیاز قانونی برای نمایندگان منتخب پذیرفته شده است و اصطلاح (امتیازهای پارلمانی) موید این امر است.

اگر چه تعاریف بسیاری از سوی حقوقدانان در تعیین اصطلاح مصونیت پارلمانی گردیده است، امکان ارائه تعریف جامع و مانعی از مصونیت پارلمانی فراهم نیست. با وجود این وجه مشترک تمامی تعاریف موید امتیازات و حمایت‌های قانونی است که از طرف قانونگذاران برای نمایندگان و در اجرای وظایف نمایندگی لحاظ شده است. در فرهنگ فرانسوی روبرت آمده است (مصونیت پارلمانی عبارت است از امتیازات اعطایی به نمایندگان مجلس به منظور حراست از وظایف نمایندگی و استقلال نماینده در برابر هر گونه تعرض به او) در فرهنگ اصطلاحات حقوقی دالوز مصونیت پارلمانی اینگونه تعریف شده است: (امتیازی است که نمایندگان مجلس را در برابر هر گونه تعقیب مورد حمایت قرار می‌دهد به نحوی که بتوانند آزادانه به اعمال وظایف نمایندگی خود پردازند).

جایگاه و ماهیت حقوقی مصونیت پارلمانی

از آنجا که اصولاً منشأ مصونیت پارلمانی، قانون اساسی کشورها است و این موضوع با پارلمان به عنوان نهاد قانونگذاری مستقیماً پیوند خورده است، بیشتر در ضمن مباحث حقوق اساسی مطرح می‌شود و از مسائل اصلی قابل طرح در این حوزه به شمار می‌آید. با وجود این واقعیت، مصونیت پارلمانی در قلمرو حقوق کیفری ماهوی و یا شکلی هم دارای جایگاه ویژه‌ای است و از جهات مختلف، مورد توجه واقع می‌شود. اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری از اصول حاکم بر اجرای قوانین جزایی در مکان است. طبق این اصل، قوانین جزایی نسبت به کلیه جرائمی که در داخل کشور ارتکاب می‌یابند اعم از اینکه مجرم از اتباع کشور باشد یا اتباع خارجه، لازم الاجرا است. با وجود این استثنائاتی بر این اصل وارد است که از جمله آنها مصونیت پارلمانی نمایندگان است. نویسندگان حقوقی در بحث اسباب معافیت از کیفر، مصونیت پارلمانی را در شمار سبب‌هایی می‌دانند که تحت شرایطی، باعث معاف بودن نماینده از مجازات، به فرض تقصیر می‌شود. همچنین برخی در مقام اثبات مصونیت قانونی و نفی مسئولیت جزائی نماینده، بر فقد قصد مجرمانه تأکید می‌ورزند و از این منظر به «اصل عدم تمسک می‌جویند» (بدیهی است تحلیل رکن روانی، تشریح اجزا و عناصر آن وارد در حوزه حقوق کیفر عمومی است. به این ترتیب مصونیت پارلمانی از جهت تعددی در حقوق کیفری عمومی، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد و در مجموع، به شکل مستقیم با این شاخه حقوقی ارتباط یافته است. قطع نظر از مباحثات و اختلافات نظری موجود در خصوص امکان فرض تحقق جرم از سوی نماینده یا عدم آن، چنانچه نماینده، متهم به ارتکاب جرائمی از قبیل توهین به افراد، مقامات و یا به مقدسات افترا، نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی و سایر جرایم گردد، در این صورت ماهیت جرم ارتكابی، ارکان و ویژگیهای متمایز آن و تشریح شرایط کیفر بر اساس مباحثات حقوق کیفری اختصاصی، مشخص خواهد شد.

مصونیت پارلمانی نمایندگان از جنبه‌های متعددی در آیین دادرسی کیفری مسائل بحث و بررسی می‌شود. تشریفات تعقیب و سلب مصونیت پارلمانی از مسائل مهمی است که در قلمرو آیین دادرسی کیفری است.

قواعد شکلی لازم الاجرا معمولاً در قالب قوانینی در زمینه آئین دادرسی تنظیم تنسيق می‌گردد. برای نمونه، قوانین و مقررات بوندستاگ (مجلس فدرال آلمان) در این خصوص، بسیار مشروع و مفصل است و حتی متضمن قواعد و اصولی راهبردی در مجلس شورای ملی فرانسه و مجالس ایتالیا و اسپانیا و لوگزامبورگ نیز به همین شکل جامع و مبسوط است. برعکس، نصوص قواعد و قوانین آئین دادرسی در بلژیک و دانمارک بسیار موجز کوتاه و قدیمی است. در برخی کشورها نیز همچون ایرلند، انگلستان و هلند، اساساً آیین دادرسی ویژه‌ای در این زمینه موجود نیست.

از دیگر مباحث مربوط به مصونیت پارلمانی در آیین دادرسی کیفری، بحث موانع تعقیب دعوی عمومی است که مصونیت مذکور در دعوی عمومی تلقی می‌شود. زمره موانع موقتی تعقیب دعوی عمومی تلقی می‌شود. همچنین در برخی کشورها، مصونیت پارلمانی از موانع حقوقی تعلیق مرور زمان معلق می‌شود. بر این اساس، صلاحیت رسیدگی به اتهامات نماینده از قلمرو آمره و مربوط به نظم عمومی از دیگر مباحث مربوط به مصونیت پارلمانی در آیین دادرسی کیفری، بحث موانع تعقیب دعوی عمومی است که مصونیت مذکور در زمره موانع موقتی تعقیب دعوی عمومی تلقی می‌شود. همچنین در برخی کشورها، مصونیت پارلمانی از موانع حقوقی تعلیق مرور زمان به لزوم تحصیل اجازه برای تعقیب نمایندگان در این کشورها، در صورت عدم حصول اجازه تعقیب، مرور زمان معلق می‌شود. بحث صلاحیت شخصی محاکم کیفری به اعتبار سمت و موقعیت اجتماعی نماینده در رسیدگی به اتهامات وی که از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است از دیگر مسائل داخل در حوزه آیین دادرسی کیفری، بحث موانع تعقیب دعوی عمومی است که مصونیت مذکور در زمره موانع موقتی تعقیب دعوی عمومی تلقی می‌شود. همچنین در برخی کشورها، مصونیت پارلمانی از موانع حقوقی تعلیق مرور زمان به شمار می‌آید: زیرا با توجه لزوم تحصیل اجازه برای تعقیب نمایندگان در این کشورها، در صورت عدم اجازه تعقیب، مرور زمان معلق می‌شود. بحث صلاحیت شخصی محاکم کیفری به اعتبار سمت و موقعیت اجتماعی نماینده در رسیدگی به اتهامات وی که از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است از دیگر مسائل داخل در حوزه آیین دادرسی کیفری است. بر این اساس، صلاحیت شخصی محاکم کیفری به اعتبار سمت و موقعیت اجتماعی نماینده در رسیدگی به اتهامات وی که از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است از دیگر مسائل داخل در حوزه آیین دادرسی کیفری، بر این اساس، صلاحیت رسیدگی به اتهامات نماینده از قلمرو صلاحیت محلی دادگاه (به اعتبار محل وقوع جرم) خارج شده است. پیشینه تاریخی مصونیت پارلمانی در خصوص پیشینه تاریخی مصونیت پارلمانی دو دیدگاه مطرح است. طبق دیدگاه نخست، مبدأ تاریخی اعطای مصونیت تاریخی به اعضای پارلمانها روشن نیست؛ زیرا این قبیل مصونیت‌ها به تدریج و در پی توافق‌های ضمنی بین حکومتها و مجلس ملی آنها حاصل شده است. به همین جهت این توافق‌ها، داخلی هستند و پذیرش آنها در چهارچوب قانون اساسی جریان می‌یابد. از آنجا که اقدام برای تدوین قانون اساسی در قرون اخیر شکل گرفته و طبق نظر برخی پژوهشگران تاریخ آن به ثلث اخیر قرن هجدهم

میلادی - یعنی زمانی که قانون اساسی فیلادلفیا در سال ۱۷۷۶ م. آماده شد، بر می گردد. بنابراین سند خاصی که متضمن اعتراف به وجود حق مصونیت پارلمانی قبل از این تاریخ باشد وجود ندارد (۸، ص ۱۱۱). طبق دیدگاه دوم، از منظر تاریخی، عملاً ریشه مصونیت پارلمانی را باید به عصر امپراطوری رم باستان و سرشت پارلمانی نظامهای آن دوره مربوط دانست؛ زیرا مدافعان حقوق مردم در مجالس سنا و ملی از حمایتهای ویژه و گسترده‌ای در آن زمان برخوردار بودند که مشابه آن را در عصر حاضر نیز می توان مشاهده کرد (۱۴، ص ۴). اما چنانچه به طور رسمی بررسی شود، مصونیت پارلمانی ریشه در تعارض بین پارلمان، پادشاهان و نظام قضائی انگلیس دارد (۱۵) و به نشست پارلمان انگلستان در سال ۱۳۹۷ م. باز می گردد.

در این زمان مجلس عوام لایحه‌ای را تصویب نمود که رفتار مالی ننگ آور پادشاه انگلستان - ریچارد دوم - را محکوم می ساخت. «توماس هاکسی» عضوی که حامی این مصوبه صریح مجلس عوام، و مخالف پادشاه و دادگاه وی بود، به محاکمه کشیده شد. و به کیفر مرگ محکوم گردید. محکومیت وی تحت عنوان خیانت به کشور مطرح شد؛ لکن متعاقب مخالفتی که در آن دوره توسط نمایندگان مجلس عوام با این حکم ابراز شد این محکومیت به مرحله اجرا در نیامد و «هاکسی» مشمول عفو سلطنتی شناخته شد (۱۴، ص ۱۴). در قضیه «استرود» در سال ۱۵۱۲ م. نیز ابتدا امتیاز ناظر بر معافیت شخص نماینده از اظهارات مطرح شده در پارلمان، انکار شد، اما بعد، از سوی پادشاه مسلم و مقبول فرض گردید. این مصونیت مجدداً در قضیه «سر جان الیوت» در سال ۱۶۲۹ م. با انکار روبرو گردید که به هر شکل از سوی مجلس سنا و مجلس عوام پذیرفته نشد. اعتراض ها و ایراد ها در عدم پذیرش مصونیت نمایندگان از طرف مجالس یاد شده در سالهای ۱۶۴۱ و ۱۶۶۷ م. همچنان تداوم یافت تا اینکه مجلس سنا در سال ۱۶۶۸ م. بر ضرورت مصونیت تاکید نمود و هر گونه تعقیبی را که به سبب سخنان نمایندگان در پارلمان انجام می شد، مردود دانست. این وقایع، مجلس عوام را بر انگیزت تا حق اعضای پارلمان را مورد بازبینی و بررسی مجدد قرار دهد. در غالب استقلال و آزادی کامل، بدون مداخله مقام سلطنتی متبلور سازد. لذا پیشنهاد آزادی نطق در ابتدای سده شانزدهم به مجلس عوام ارائه گردید که سرانجام در سال ۱۶۸۹ م. در مصوبه پارلمان انگلیس - که برخی از حقوق افراد و نمایندگان مجلس را تضمی می کند - مورد تصدیق و تایید واقع شد. این مصوبه، «سند حقوق بشر» نام گرفت و به طور صریح در ماده ۹ آن از مباحثات و افعال اعضای پارلمان، بدون هر گونه مداخله یا مخالفت و اعتراضی در خارج از پارلمان، حمایت شد (۱۴ ص ۱۵). در فرانسه نیز بعد از انقلاب ۱۷۸۹ م. این ضرورت مبنی بر مصونیت بخشی به نمایندگان در راستای پاس داشت آنان به سبب عقاید مطرح شده در پارلمان و در مقام ایفای تعهدات و وظایف، شکل گرفت. چنین مصونیتی نخستین بار به موجب طرح پیشنهادی «میرابو» سخن ور نامدار انقلاب کبیر فرانسه در جلسه ۲۳ ژوئن ۱۷۸۹ م. مورد تقلید واقع که در آن از امتیازی یاد شد که به موجب آن امکان صدور کیفرخواست علیه نمایندگان، بدون اجازه پارلمان منتفی بود. (به هر حال در این کشور، مصونیت پارلمانی در امور جزائی

تجویز شد و برخلاف انگلستان، ضرورت مصونیت پارلمانی در امور جزایی بیشتر از امور حقوقی احساس شد. این مصونیت در قوانین اساسی ۱۸۷۵ م. و ۱۸۸۱ م. مجدداً تایید گردید. بعدها نیز اگر چه مستندات و مواد قانونی آن تغییر یافت، لیکن ماهیتاً همان مفاد مورد استناد قرار داده شد. این مصونیت، بدون هیچ استثنائی شامل بحث‌ها و سخنرانی‌های ارائه شده در مجلس ملی یا مجمع مجالس سنا و ملی است؛ خواه در حین سخنرانی باشد، خواه در بحث‌های مطرح شده در کمیسیون‌های تخصصی. اصل ۲۱ قانون اساسی سابق فرانسه چنین نگارش شده است: «هیچ یک از اعضای پارلمان را نمی‌توان به علت اظهار عقیده یا آرای صادر شده از سوی وی در چارچوب اجرای وظایف قانونی خویش تحت تعقیب، جست و جو، دستگیری، حبس یا محاکمه قرار داد. این مصونیت هم شامل خسارات وارده به منافع اشخاص می‌شود و هم جنبه عمومی جرم را شامل می‌شود». این مصونیت همچنین مستلزم کسب اجازه از پارلمان برای تعقیب نمایندگان در جرائم عمومی ارتكابی توسط آنان است. این اجازه باید از مجلس اخذ شود، اما به اتهامات منتسب در جرائمی با عناوین جنایت و جنحه محدود می‌شود. بنابراین برای تعقیب کردن اتهامات خلافی نیازی به کسب اجازه نخواهد بود. با صلاحدید پارلمان نیز امکان تقاضای تعلیق تعقیب یا تعلیق حبس اعضای آن در زمان نمایندگی فراهم است و پارلمان می‌تواند در این زمینه اتخاذ تصمیم نماید. حوزه نسبتاً وسیع تر امتیازات پارلمانی در فرانسه، قطع نظر از بخشهایی که از الگوی انگلیسی برگرفته شد، به طور نزدیکی با موضع فکری برتر حاصل در چهارچوب انقلاب فرانسه ارتباط یافته است به هر شکل از آن زمان به بعد، مصونیت پارلمانی در دیگر کشورهای اروپا در جایی که الگوی فرانسوی با جنبه‌های دوگانه خویش (رویکرد ناظر بر آزادی نطق و مصونیت از تعرض) نفوذ غالبی یافته گسترش یافت.

سیر تحول مصونیت پارلمانی در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران نیز از همان ابتدای شکل‌گیری مجالس پارلمانی (مجلس شورای ملی و مجلس سنا)، لزوم پیش‌بینی مصونیت برای نمایندگان منتخب مردم احساس گردید. لذا ضرورت مصونیت بخشی به نمایندگان، همگام با سایر نظامهای پارلمانی غرب سبب شد تا اصل مصونیت پارلمانی در قوانین اساسی ادوار مختلف ایران تعیین یابد. در ابتدا به بررسی پیشینه مصونیت پارلمانی در قانون اساسی مشروطه پرداخته، آنگاه به بیان این سابقه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. امتیاز مصونیت پارلمانی که نخستین بار در قانون اساسی مشروطه بیان گردید، از تاسیسات قوانین اساسی کشورهای غربی اقتباس شده است. بنابراین مصونیت اعضای مجلس از کشورهایی که قانون اساسی آنها الگوی تدوین قانون اساسی مشروطه بوده، در گذشته به کشور ما راه یافته است. از نظر نویسندگان حقوقی، نظام مصونیت پارلمانی که ریشه در اصل ۱۲ قانون اساسی، ۱۴ ذیقعد ۱۳۲۴ هـ - ق دارد، متأثر از نظام مصونیت پارلمانی در فرانسه است. نظام مصونیت پارلمانی در فرانسه ریشه در مصوبه ۲۳ ژوئن ۱۷۸۹ م. مجلس ملی آن کشور

دارد. این مصوبه مقرر می‌دارد «شخصیت هر نماینده مصون از تعرض است». این اصل در قانون اساسی کشورهای دیگر از جمله ایران، مبنای نظام مصونیت پارلمانی گردیده است. اصل ۱۲ قانون اساسی مقرر می‌داشت: «به هیچ عنوان و به هیچ دستاویز، کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود. احياناً یکی از اعضا علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد. باز باید اجرای سیاست درباره او به استحضار مجلس باشد». البته به طوری که می‌دانیم چون مجلس سنا در سال ۱۳۲۸ ه. ش در ایران تشکیل شد، قانون اساسی گذشته فقط به ذکر مصونیت نمایندگان مجلس شورای ملی پرداخته است: اما ماده ۳۶ قانون اجازه اجرای نظامنامه انتخابات مجلس سنا نیز تسری و تعمیم داده است.

در ماده ۲۳ از فصل اول نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی «بدون اجازه مجلس، احدی از اجزای (اعضای) مجلس را نمی‌توان به هیچ عنوان گرفتار و دستگیر نمود: مگر مرتکب جنحه یا جنایتی باشد به طور علنی، و کلیه تحریر و تقریر اعضای مجلس در مصالح دولت و ملت آزاد و هیچ کس حق مزاحمت آنها را ندارد؛ مگر در صورتی که تحریرات و تقریرات عضوی برخلاف مصالح عامه و موافق قوانین شرع انور مستوجب مجازات باشد. در این صورت با اجازه مجلس این نوع اشخاص به محکمه عدلیه جلب خواهند شد».

با کمی تعمق در اصل ۱۲ قانون اساسی مشروطه و مواد یاد شده می‌توان دریافت که، حمایت‌های قانونی راجع به نمایندگان، علی‌رغم اقتباس از غرب، به شکل جامعی در گذشته پذیرفته شده است که از جهات بسیار چه از جنبه ماهوی و چه از جنبه شکلی در خور توجه می‌باشد. جزئیات راجع به مصونیت پارلمانی نیز در ادوار مختلف مجلس و ضمن آیین‌نامه‌های داخلی صراحتاً تعیین شده است و این امر مبین سابقه درخشانی است که در قانون اساسی تجلی یافته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) در فرمان مورخ ششم ربیع‌الاول سال ۱۳۹۹ ه. ق. نخست وزیر دولت موقت را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص، مامور تشکیل دولت موقت نمود تا ترتیب اداره امور مملکت و به ویژه انجام شدن رفراندوم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور و تشکیل مجلس موسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی جدید و انتخاب نمایندگان ملت را بدهد. براین اساس، با صدور فرمان همه‌پرسی از سوی امام (ره) در تاریخ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸ و برگزاری انتخابات، با اکثریت مطلق ۹۸/۰۲ از کل اخذ شده، به نظام جمهوری اسلامی رای مثبت داده شد. آنگاه به منظور تدوین قانون اساسی در مرحله نخست، پیش‌نویس قانون اساسی به عنوان طرح پیشنهادی به افکار عمومی عرضه شد. سپس در مرحله دوم برای انتخاب

خبرگان جهت تدوین قانون اساسی، در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ انتخابات عمومی در سراسر کشور انجام گرفت که سرانجام مجلس موسسان خبر یا خبرگان، تحت عنوان «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی» در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با عضویت ۷۲ نماینده افتتاح گردید. بنابراین در میان طرق مختلفی که برای تدوین و

تصویب قانون اساسی در جهان متداول است، جمهوری اسلامی ایران با ویژگی‌هایی که از نظر اتکا به مکتب و پشتیبانی قاطع مردم داشت، کاملترین و جالبترین راه را برگزید و در حقیقت به جای استفاده از یکی از دو راه موسسان خبره و رفراندوم، راه مرکب از آن دو را انتخاب نمود. در مرحله سوم، اصول مطرح شده در جلسات عمومی خبرگان که متشکل از اسلام شناسان، اندیشمندان و حقوقدانان برجسته بود، مورد شور و بررسی قرار گرفت و در مرحله چهارم، رسیدگی نهایی و رای گیری انجام یافت. در مرحله پنجم، اصول بررسی شده به تصویب نهایی رسید. در آخرین مرحله نیز با برگزاری همه پرسی در یازدهم و دوازدهم آذر ماه ۱۳۵۸ در خصوص این میثاق ملی از مجموع آرا ۹۹/۵ رای موافق داده شد.

در این جریان، مصونیت پارلمانی ابتدا در قالب اصل ۷۱ مطرح شد. در طرح این اصل آمده بود: «نمایندگان مجلس در اظهار عقیده و رای خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به مناسبت عقایدی که در مجلس اظهار کرده یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب یا توقیف کرد. اگر نماینده‌ای مرتکب جنحه یا جنایت مشهود شود مورد تعقیب قرار می‌گیرد، ولی جریان دستگیری او باید فوراً به آگاهی مجلس برسد و تحقیق و دادرسی باید با حضور نماینده مبعوث انجام پذیرد. در صورتی که نماینده‌ای به ارتکاب جرم غیر مشهود متهم شود، توقیف و بازداشت او قبل از محکومیت در دادگاه مشروط به سلب مصونیت از طرف مجلس است، ولی محاکمه او در دادگاه صالح به صورتی (است) که مزاحم ایفای وظایف نمایندگی او در اثنای دادرسی نباشد و اجرای حکم قطعی دادگاه درباره‌ی او نیازی به سلب ندارد». این اصل که پس از مذاکرات مجلس مذاکرات با تغییرات و جرح تعدیل‌هایی در قالب اصل ۸۶ قانون اساسی کنونی به تصویب رسید، از همان ابتدای طرح با چالش‌هایی روبرو بوده است؛ زیرا در کنار گروه موافقان این اصل که بر ضرورت تنصیب آن در قانون اساسی تاکید می‌ورزیدند، گروهی نیز اساساً با طرح این موضوع، مخالفت می‌نمودند؛ گرچه در این میان گروهی راه میانه را در پیش گرفته، خواستار پیش بینی مصونیت پارلمانی با رعایت یک سری اصول و مسائل بودند.

سرانجام با وجود این چالش‌های نظری، در متن نهایی قانون اساسی قسمت دوم اصل ۷۱ حذف شد و قسمت نخست آن در قالب اصل ۸۶ ق.ا.ج.ا در جلسه سی و پنجم مجلس یاد شده به تصویب رسید. به موجب این اصل: «نمایندگان مجلس در مقام ایفای نمایندگی در اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب یا توقیف کرد». این اصل در بازنگری قانون اساسی که پیرو صدور دستور بازنگری در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۴ از سوی امام خمینی (ره) در همین سال انجام پذیرفت، همچنان بدون تغییر باقی ماند.

اصل ۸۶ و نظرات مختلف در خصوص مصونیت نمایندگان

طبق اصل ۸۶ قانون اساسی «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.» معمولاً این اصل را ناظر به «مصونیت پارلمانی» قلمداد می‌کنند ولی در مورد این اصل و مصونیت پارلمانی باید به چند نکته توجه کرد:

۱ - مصونیت در لغت به معنای محفوظ ماندن و حفظ شدن است و در اصطلاح حقوقی به معنی وضع مخصوصی برای دارنده آن است که او را از تعرض خاصی معاف و محفوظ نگاه می‌دارد. یکی از انواع مصونیت، مصونیت پارلمانی می‌باشد که ابزاری است تا نمایندگان مجلس با آسودگی بتوانند به انجام وظایف نمایندگی بپردازند و مسائل قضایی نتواند مانع ایفای وظایف مذکور شود. بر این اساس دو نوع مصونیت را برای نمایندگان مجلس برشمرده‌اند که البته جزئیات آن در نظام‌های حقوقی مختلف، کاملاً مشابه نیست. «مصونیت ماهوی» یا عدم مسئولیت، به این معناست که نظرات و آرای که نماینده در مقام ایفای وظایف نمایندگی اظهار می‌دارد، جرم تلقی نمی‌شود. این مصونیت باعث می‌شود که نماینده بتواند وظایف نمایندگی خود اعم از قانونگذاری و نظارت را بدون واژه‌ها و اینک نظرات و آرای او در این مقام بتواند مستند مجرم شمردن او شود، انجام دهد. این مصونیت دائمی است و پس از اتمام دوره نمایندگی نیز نمی‌توان نظرات و آرای نماینده را که در مقام ایفای وظایف نمایندگی اش ابراز داشته شده، مستند مجرمیت وی قرار داد. «مصونیت از تعرض» نوع دوم مصونیت پارلمانی بوده و به معنای این است که اگر نماینده متهم به ارتکاب جرمی باشد، تعقیب او توسط مراجع قضایی مستلزم اطلاع مجلس و در برخی از نظام‌های حقوقی، منوط به تصویب مجلس است. این مصونیت سبب می‌شود که نتوان به اتهام ارتکاب جرمی در خارج از مجلس، مانع از حضور و نقش‌آفرینی نماینده در مجلس شد. مجلس یا نهادی از طرف مجلس، مسئولیت بررسی اولیه اتهام وارد به نماینده را برعهده دارد و در صورتی که اتهام را واهی نداند، از نماینده سلب مصونیت کرده و اجازه تعقیب وی توسط مراجع قضایی را صادر می‌کند. این مصونیت صرفاً در زمان نمایندگی و در برخی از نظام‌های حقوقی محدود به زمان برگزاری اجلاس‌های پارلمان است و لذا در سایر زمان‌ها، مراجع قضایی محدودیتی در تعقیب نماینده ندارند. کشورهای مختلف، در پذیرش دو نوع مصونیت فوق با یکدیگر متفاوتند. حال باید دید که در جمهوری اسلامی ایران، وضعیت حقوقی مصونیت پارلمانی به چه صورت است.

۲ - در قانون اساسی و قوانین عادی ما، مصونیت از تعرض برای نمایندگان مجلس به رسمیت شناخته نشده و رسیدگی به شکایات علیه نمایندگان مجلس، تشریفات خاصی ندارد و این امر همانند سایر اشخاص، برای نمایندگان هم انجام می‌گیرد. ولی آنچه در اصل ۸۶ قانون اساسی آمده است، برخی را بر آن داشته که مصونیت ماهوی را برای نمایندگان مجلس قائل باشند. طبق این اصل «نمایندگان مجلس در مقام ایفای

وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد. « مفاد اصل مذکور در ماده ۷۷ آئین نامه داخلی مجلس و ماده ۹ قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان (مصوب ۱۳۹۰) نیز تکرار شده است.

۳- شورای نگهبان، بارها نظر خود را در خصوص مصونیت پارلمانی اعلام کرده است. این شورا در جریان بررسی، چندین مصوبه مجلس که در صدد ایجاد مصونیت از تعرض و ایجاد تشریفات خاص برای رسیدگی به اتهامات وارده به نمایندگان بوده، چنین مصونیتی را خلاف شرع و قانون اساسی اعلام کرده است. در خصوص مصونیت ماهوی و اصل ۸۶ قانون اساسی اما شورای نگهبان در سال ۱۳۸۰ نظریه تفسیری به شرح زیر ارائه نموده است: «با عنایت به: ۱- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اصل هشتاد و ششم، حاکی از اینکه مصونیت ریشه اسلامی ندارد و تمام مردم در برابر حق و قانون الهی یکسان و برابرند و هر فردی که در مظنه گناه یا جرم قرار گیرد قابل تعقیب است و اگر شکایتی علیه او انجام گیرد دستگاه قضایی باید او را تعقیب کند. ۲- اصول متعدد قانون اساسی و از آن جمله اصول نوزدهم و بیستم دائر بر برخورداری همه ملت ایران از حقوق مساوی؛ ۴- اختصاص موضوع اصل هشتاد و شش مربوط به اظهار نظر و رأی نمایندگان در مجلس و در مقام ایفای وظایف نمایندگی و عدم ملازمه آن با ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه؛

۵- عدم توجیه شرعی منع تعقیب یا توقیف مجرم؛

۶- نظر مبارک حضرت امام خمینی (ره) به عنوان ناظر و راهنمای تدوین قانون اساسی دائر بر ضرورت پرهیز از هتک حرمت اشخاص و لزوم جبران آن در مجلس و رسیدگی توسط قوه قضائیه؛ «اصل هشتاد و ششم قانون اساسی در مقام بیان آزادی نماینده در رابطه با رأی دادن و اظهار نظر در جهت ایفای وظایف نمایندگی، در مجلس است و ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه از شمول این اصل خارج است و این آزادی منافی مسئولیت مرتکب جرم نمی‌باشد. « این تفسیر که توسط شورای نگهبان به عنوان مرجع مفسر قانون اساسی انجام گرفته، البته قانونی و لازم‌الاتباع است و اگر نقدی نسبت به آن صورت گیرد، نافی لزوم اجرای آن در مقام عمل نمی‌باشد.

۷- از اصل ۸۶ اینگونه برمی‌آید که، اگر نماینده مجلس «در مقام ایفای وظایف نمایندگی» اظهار نظری نموده یا رأیی بدهد، این نظر و رأی را نمی‌توان به عنوان مستند اتهام وی پذیرفت.

البته این امر نافی حق شکایت اشخاص از نماینده نیست، همانگونه که هیچ‌کس را نمی‌توان از شکایت از دیگران برای وصول به حق منع نمود، فارغ از اینکه مشتکی عنه (کسی که از او شکایت می‌شود) چه کسی باشد یا چه مقامی داشته باشد. با توجه به این نکته، وقتی شکایتی از کسی صورت گرفت، قاعدتاً این مرجع قضایی است که در خصوص آن شکایت تحقیق و بررسی می‌کند و در صورتی که اتهام را وارد نداند، در مرحله تحقیقات (دادسرا)، قرار منع تعقیب و در مرحله صدور رأی (دادگاه)، رأی برائت صادر می‌نماید.

لذا این مقام قضایی است که باید بررسی کند که آیا اظهار نظر نماینده‌ای که از او شکایت شده، «در مقام ایفای وظایف نمایندگی» انجام گرفته یا خیر.

البته در حال حاضر، با توجه به تبصره «۱» ماده ۹ قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان تشخیص این امر به هیئت نظارت واگذار شده است. طبق تبصره مذکور «تشخیص مصداق موضوع اصل هشتم و ششم قانون اساسی و ماده ۷۵ آئین نامه داخلی مجلس با هیئت است.» «هیئت نظارت هیئتی است، که طبق ماده قانون مذکور تشکیل شده و مرکب از یکی از اعضای هیئت رئیسه مجلس، یکی از اعضای کمیسیون اصل نود، یکی از اعضای کمیسیون قضایی و حقوقی و چهار نفر از سایر نمایندگان مجلس می‌باشد.

۵- در مورد محدوده و چارچوب مصونیت ماهوی، نکته مهم تشخیص «در مقام ایفای وظایف نمایندگی بودن» نماینده مجلس است. اگر سخن نماینده در این مقام بوده باشد، این سخن وی مشمول عناوین مجرمانه نخواهد بود. مثلاً در صورتی که نماینده‌ای در مقام موافق استیضاح یک وزیر به ایراد سخن پرداخته و نکاتی را در خصوص عملکرد آن وزیر بیان می‌کند، نمی‌توان به صرف استناد به چنین سخنانی، وی را به جرم توهین یا افترا محکوم نمود ولی نماینده نمی‌تواند به استناد مصونیت پارلمانی، هر سخن یا نظری را در مجلس بیان نماید و مثلاً اقدام به توهین نسبت به یک وزیر یا شخص حقوقی دیگر نموده یا از تربیون مجلس استفاده کرده و جمعیتی را به برهم زدن نظم عمومی تحریک نماید. به بیان دیگر قید «در مقام ایفای وظایف نمایندگی» صرفاً ناظر به اصل اظهار نظر و زمان و مکان آن نیست، بلکه محتوای آن نیز باید در این راستا باشد.

نتیجه گیری

ارتکاب جرم توسط مقامات و کارکنان دولتها، همزاد حکومتها و دولتها بوده و با توجه به نوع حاکمیت و باورهای اعتقادی و مذهبی و فرهنگی و اجتماعی در جوامع مختلف، از شیوع یکسانی برخوردار نبوده است. جرایم مقامات ارشد دولتی، از دیر باز مورد توجه سیاستمداران و علمای حقوق بوده و چگونگی برخورد با آن و مرجعی که این وظیفه را به سرانجام برساند، از چالش‌ها و مباحث جدی دولتمردان در تمام دنیا بوده است، در کشور ما نیز به این امر از دیر باز توجه شده است. در گذشته‌های دور و قبل از ورود اسلام به ایران تنها مرجع رسیدگی به تظلمات و شکایات از مأمورین رسیدگی می‌کرد، شخص شاه بوده و به سایر اختلافات از جمله مسائل مربوط به ارث و طلاق و اینگونه مسائل موبدان زرتشتی رسیدگی می‌کردند.

با گسترش دولتها و انسجام بیشتر آنها و به دنبال آن ورود دولتها به عرصه‌های مختلف حجم دولتها افزایش و تعداد نیروهای انسانی شاغل در آن و همچنین ظهور دولتها بعنوان یک شریک اقتصادی بزرگ و رقیب تجاری برای بخش‌های خصوصی و همچنین مرودات مالی دولتها با همدیگر و با شرکتها بزرگ چند ملیتی

نیز افزایش یافت، به همین جهت نحوه برخورد با مفساد اقتصادی و تخلفات مقامات ارشد کشورها، نه تنها برای مردم آن کشورها، بلکه برای سایر دولتها و شرکتهای سرمایه گذار از اهمیت ویژه ای برخوردار شد. جرایم ارتكابی در رده های بالای مدیریتی کشورها باعث بی اعتمادی مردم و حتی سایر کشورها به حاکمیت می شود و بعضاً تبعات اجتماعی، سیاسی جبران ناپذیری به همراه می آورد. بعنوان مثال تخلفات رئیس جمهور کره جنوبی و امثال آن در دهه های اخیر خبر ساز شد و با محاکمه و عزل وی تبعات و تنش های بوجود آمده، فروکش کرد. برخی فساد دولتمردان حتی با قیامها و درگیری های مسلحانه به تغییر حاکمیت ها منجر شده است یکی از معضلات بزرگ کشور ما که مانع سرعت گرفتن چرخ پیشرفت کشور می شود، وجود فساد و سوء مدیریتی آشکار در بعضی از زمینه ها می باشد که به دلیل نبود نهادی مستقل و کارآمد در برهه های مختلف با رانت اطلاعاتی و سایر ابزارها بازار ارز و اقتصاد کشور را متلاطم می کنند. که این امر نهادی مستقل و فرا قوه ای را برای رسیدگی به جرایم کلان اقتصادی که توسط مقامات دولتی یا منصوبین آنها را می طلبد. این نهاد در عین دقت باید با سرعت بالایی اقدام و قوانینی که که بعضاً باعث اطاله امر رسیدگی و تعقیب می شوند، در این نهاد حکمفرما نباشند.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن مجید
- موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق، ج دوم
- دهخدا، لغت نامه، دوره جدید، ج ۱۴، چ ۲، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- معین. م فرهنگ معین، ج ۳، چ ۵، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- آیت اله زاده شیرازی، م، و، آذر نوش، آ، مجمع اللغات (فرهنگ مصطلحات به چهار زبان)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.
- نقاضی شریعت پناهی، ۱. بایسته های حقوق اساسی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۵.
- رضا، سیروس قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، انتشارات مهاجر ۱۳۸۲
- محمدرضا، تحقیقات مقدماتی در جرائم سایبری، انتشارات جنگل، چاپ اول ۸۹
- محمدحسن، نگاهی به جرائم سایبری، انتشارات معاون برنامه و بودجه، سال ۸۴
- دزیانی، محمدحسن، صلاحیت رسیدگی به جرائم سایبر، خبرنامه انفورماتیک شماره ۷۷
- الفیلی، م، ح « تعیین قاعده الناخبین من بین الدستور و القوانين »، مجله الحقوق، کلیه الحقوق، جامعه الكويت، ۱۹۹۹.
- ابراهیمی، ق، « مصونیت پارلمانی از نگاه فقه » فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت علیهم السلام، س، ۸، ۱۳۸۱، ش ۳۰.
- نظرات حقوقدانان کشور در خصوص مصونیت پارلمانی نمایندگان، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی: تهران، ۱۳۸۰.
- هاشمی، م.، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، چ ۳، نشر دادگستر: تهران، ۱۳۷۷.
- منصور السلطنه، م.، حقوق اساسی یا اصول مشروطیت و شرح قانون اساسی مطبوعه فاروس: تهران ۱۳۲۸.
- مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه (اول، دوم، سوم، چهارم) مطبوعه مجلس، بی تا.
- انصاری، م. و مصونتهای قانونی، چ ۲، انتشارات اشراقی: تهران، ۱۳۵۲.
- عمید زنجانی، ع. و فقه سیاسی، ج ۱ چ ۳، انتشارات امیر کبیر: تهران، ۱۳۷۳.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، چ ۱، دبیرخانه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی: تهران، ۱۳۶۴.
- باهری، م.، و داوود، ع. ا.، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، مقارنه و تطبیق از: رضا شکری، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد: تهران، ۱۳۸۰.
- استفانی، گک، لواسور، ژ. و بولوک، ب، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ترجمه دکتر حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی: تهران، ۱۳۷۷.

- آشوری، م.، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ج ۲، انتشارات سمت: تهران، ۱۳۷۶.
- آخوندی، م.، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: تهران، ۱۳۶۸.
- خزانی، م.، فرایند کیفری (مجموعه مقالات)، انتشارات گنج دانش: تهران، ۱۳۷۷.
- مدنی، ج.، آیین دادرسی کیفری (۱ و ۲)، انتشارات پایدار: تهران، ۱۳۷۸.
- میرحسینی، سید حسن، حقوق و تخلفات اداری، چاپ دوم با اصلاحات و الحاقات، انتشارات حقوقی، ۱۳۸۱
- کاتوزیان، ناصر.، مبانی حقوق عمومی، نشر دادگستر: تهران، ۱۳۷۰.
- مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، ش ۶، دی ماه ۱۳۸۰.
- مال میر، محمود؛ شرح قانون مجازات نیروهای مسلح، چاپ اول، نشر دادگستر، تهران ۱۳۸۳
- صفار، م. ج.، شخصیت حقوقی، نشر دانا: تهران، ۱۳۷۳.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مشرقین: قم، ۱۳۷۹.
- روزنامه حیات نو، س ۲، پنجشنبه، ۲۷ دی ماه ۱۳۸۰، ش ۴۹۳.
- دادفر، ح.، «مصونیت پارلمانی»، مجله کانون وکلا، س ۵، مرداد و شهریور ۱۳۳۲، ش ۳.
- قاسم زاده، ق.، حقوق اساسی فرانسه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران: تهران، ۱۳۳۶.
- میر محمد صادقی، ح.، جزای اختصاصی (۳)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان: تهران ۱۳۸۰.
- نوزاد، عوض بررسی جرایم اختلاس و تصرف غیر قانونی در اموال دولت، چاپ اول انتشارات آریان، تهران ۱۳۸۳
- امین، سید حسن، تاریخ حقوق ایران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- رحمدل، منصور، بررسی تطبیقی مصونیت پارلمانی در دوره قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مجله ۱۵ خرداد، دوره اول، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۶
- زرنگ، محمد، تحول نظام قضایی ایران: از مشروطه تا سقوط رضا شاه، جلد اول انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱
- کشکولی، محمد، دادگاه کیفری استان (ساختار، صلاحیت و شیوه رسیدگی) انتشارات بهنامی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- کوشکی، غلامحسن، آشنایی با جرایم مدیران و کارکنان دولت، انتشارات، معاونت تدوین، انتشار قوانین و مقررات، چاپ اول، ۱۳۸۹
- ویژه، محمد رضا، مسئولیت کیفری رئیس جمهور در حقوق فرانسه، فصلنامه حقوق اساسی شماره ۱۳۸۲، ۱.

- مهاجری، علی، جرائم خاص کارکنان دولت، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جرایم مالی علیه آسایش عمومی، نشر خیام، ۱۳۷۷
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات، کنج دانش، ۱۳۸۸
- قنبری، مجید، تصرف غیر قانونی در وجوه و امول دولتی و عمومی، انتشارات نشر نو آور، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- ملازمیان، مسعود (تحقیق کننده) سیاست جنایی و تقنینی ایران در جرایم اقتصادی، انتشارات جاودانه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- حیدر زاده، هادی، تعقیب انتظامی قضات، انتشارات آزاده، چاپ دوم، ۱۳۷۷
- کشکولی، محمدی، دادگاه کیفری استان (ساختار، شیوه رسیدگی و صلاحیت) انتشارات بهنامی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- مهاجری، علی، خانلری المشیری، عبدالرضا، جرایم شغلی کارکنان دولت، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ساکت، محمد حسین، نهاد دادرسی در اسلام، چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸
- طباطبایی مومنی، منوچهر، حقوق اداری تطبیقی: حاکمیت قانون و دادرسی اداری در چند کشور بزرگ، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- امین، سید حسن، تاریخ حقوق ایران، انتشارات دایرةالمعارف ایران شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۲
- خالق، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- زرگوش، مشتاق، مسئولیت مدنی دولت، جلد دوم، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹
- مولوی، مهدی، مصونیت جزایی و تعقیب با تشریفات خاص، مجله مجموعه حقوقی، شماره ۱۳۱۷، ۷
- میر حسینی، سید حسن، حقوق و تخلفات اداری، چاپ دوم، انتشارات حقوقی، ۱۳۸۱
- صفاری، علی، کیفر شناسی، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ پنجم، ۱۳۸۸
- نقد و بررسی «قانون ممنوعیت ادامه تحصیل کارگزاران کشور در ساعات اداری»، مجله کانون وکلای آذربایجان شرقی، شماره ۱۶، دوره جدید، ص ۱۲۵، زمستان ۱۳۸۸
- نوروژی، فیروز، رحمت الله، آیین دادرسی کیفری (۲) «صلاحیت»، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷
- بر آهویی، شهریار، مروری بر صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح ج.ا.ا، مجله دادرسی، ش ۳۸،
- محسنی، مرتضی، دروه حقوق جزای عمومی، ج ۲، انتشارات کنج دانش، ۱۳۷۵
- ۶۳ - شامبیاتی، هوشنگ، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات ویستار، چاپ دوم ۱۳۸۶،

سایت های اینترنتی

www.lexum.umontreal.ca
www.canlii.org
www.undp-pogar.org
[www.ipu.org/english / membshp](http://www.ipu.org/english/membshp)
www.ecprd.org
www.iran-emrooz.de
www.iran-emrooz.de
www.ipu.org
www.vedamsbooks.com
www.lebvote.com
www.nt.gov.au

